

کافه خاطره صبا،

گفت و گویا افسانه صمدزاده

طراح هنری سینما و تلویزیون

در اتاق لباسی را قفل کردم تا احصایی برگردد!

احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

طراحی هنری یکی از شغل‌هایی است که در سینمای ایران شاید قدمتش به ۵۰ سال هم نرسد و با حضور نام‌هایی مثل ایرج رامین‌فر و مجید میرفخرایی در دهه پنجاه سرو شکل حرفه‌ای و آکادمیک به خودش گرفت. در سال‌های بعد از انقلاب چند نام بزرگ در این عرصه فعالیت می‌کردند و در دهه هفتاد نسل جدیدی وارد این عرصه شدند که افسانه صمدزاده یکی از این جوان‌های مستعد تازه وارد بود که در این چهار دهه توانسته حضور ملموس و اثرگذاری در این حوزه با همکاری با بزرگانی نظیر ایرج قادری، یدالله صمدی، برادران معظمی و مسعود اطیابی در آثار مهم و پر مخاطبی نظیر آکواریم، هتل، دینامیت نصف مال من، نصف مال تو داشته باشد. با این طراح هنری با سابقه مروری به دوران کاری‌اش داریم.

شما از دهه هفتاد وارد فعالیت‌های هنری شدید. به چه دلیل مثل اغلب جوان‌ها به سراغ بازیگری نرفتید؟

علاقه‌ای به بازیگری نداشتم. پدرم (وسف صمدزاده) از جمله تهیه‌کنندگان با سابقه سینما است و از بچگی در محیطی بزرگ شدم که درباره سینما و فیلم در آن حرف زده می‌شد و من هم به سینما علاقه‌مند شدم.

آیا پدر، شما را به سر صحنه فیلم‌ها می‌برد؟
بله، کودکی‌ام در سر صحنه فیلم‌ها سپری شد.

اولین باری سر صحنه کدام فیلم رفتید؟

سینم خیلی کم و در حدود ۶ سالم بود و پدر، من را سر صحنه فیلم «مترسک» برد و بهترین فیلم دومین دوره جشنواره فیلم فجر شد و بعدش هم به سر صحنه فیلم‌های دیگری مثل «ایستگاه» و «ملک خاتون» و سایر فیلم‌هایی که پدر تهیه کرد رفتم.

آیا خاطره‌ای از این فیلم‌ها دارید؟

در همه این فیلم‌ها بازیگران مطرحی مثل فخری خورش، پرویز پورحسینی و هما روستابازی می‌کردند و شرایط فیلمسازی مثل حالا نبود و هر فیلمی که پدر قصد تهیه‌اش را داشت حداقل ۶ ماه درگیرش می‌شدیم و ایشان را کمتر می‌دیدیم. در سال‌های اخیر فیلم‌ها در زمان کوتاه یک ماه هم ساخته می‌شود و بیشتر صحنه‌ها در آن زمان در دکور فیلمبرداری می‌شد و خیلی کم پیش می‌آمد که مثل الان چیده‌مان باشد. مثلاً فیلمبرداری فیلم «ملک خاتون» در ارتفاعات سمت کردستان در روستایی فیلمبرداری شد و تقریباً دو ماه درگیرش بودیم.

آیا شما هم به همراه پدر به آنجا رفتید؟
چند باری آخر هفته رفتم.

آیا همیشه پدر را راضی می‌کردید در همه فیلم‌ها شما را سر صحنه ببرد؟

نه، تفریحی می‌رفتم. سر فیلم «توبوس» که در روستایی سمت ارومیه فیلمبرداری می‌شد

دکورهای زیادی ساخته شد و فیلمبرداری در این مکان‌ها انجام می‌شد و من با دیدن دکورها و اتاق گریم لذت و به طور جدی به سینما علاقه‌مند شدم.

بنا بر این تصمیم گرفتید که در حرفه سینما فعالیت کنید؟
البته، اولویت اولم درس خواندن بود.

آیا در سخنان بودید؟
درسم بد نبود.

آیا اهل رفتن به جشنواره فیلم بودید؟
خیلی کم می‌رفتم. شروع کارم در سال ۱۳۷۴ به عنوان دستیار با اصرارهایم به پدر کلید خورد.

پدر چقدر موافق این حضور شما بود؟
پدرم می‌خواست با حضورم به عنوان دستیار صحنه بی خیال حضور در سینما بشوم و سینما را کاری سخت می‌دانست.

خودتان مایل بودید در چه حوزه سینما فعالیت کنید؟

گریم، اما پدرم گفت علاقه ندارد من در حوزه گریم فعالیت کنم و گفت «اگر می‌خواهی کار کنی باید در گروه صحنه و لباس کار کنی». علاقه‌ام به گریم هم صرفاً حضور بود و دورنمایی برای فعالیت مستمر در این حرفه نداشتم.

در کنکور در چه رشته‌ای پذیرفته شدید؟
رشته شیمی محض قبول شدم و البته نرفتم. بعدش هم کارم را با دستکاری برای مهرداد میر فلاح در فیلم «سارای» شروع کردم. ایشان سال‌های بعد رفت سمت فیلمسازی. فیلم «سارای» پروداکشن بزرگی داشت و کلی دکور و صحنه در ارتفاعات کلیور برای فیلم ساخته شد و شش ماهی آنجا بودیم و چون آنجا صعب‌العبور بود همه رفتیم سوار کاری یاد گرفتیم. علی‌رغم سختی‌های تولید با این فیلم بیشتر شیفته حضور در سینما شدم. آن موقع مثل حالا نبود که طراح صحنه و لباس تعداد زیادی دستیار داشته باشند و در فیلم «سارای» من تنهایی دستیار لباس بودم و به بخش صحنه هم کمک می‌کردم.

مشخصاً چه کارهایی را انجام می‌دادید؟
خیلی کارها، اول لباس‌های آماده شده را چیدمان می‌کردم و میر فلاح چون علاقه من را دید هماهنگی و ست کردن لباس‌های نقش‌های فرعی را بر عهده من گذاشت و البته از هارمونی رنگ شناختی نداشتم و غریزی و سلیقه‌ای این کار را انجام می‌دادم. اواخر کار که برای ادامه فیلمبرداری رفتیم سمت طالقان و میر فلاح به من گفت «این حرفه را بچسب و ول نکن و برو دانشگاه همین رشته را بخوان».

آیا کارهای بعدی که مهرداد میر فلاح در سینما انجام داد شما را به عنوان دستیار انتخاب کرد؟
بعد از «سارای» ایشان رفت سمت فیلمسازی و در «زن بدلی» به عنوان طراح لباس از من استفاده کرد و فعالیت حرفه‌ایم بعد از نزدیک به ۸ سال دستکاری شروع شد.

با چه طراحانی بیشتر کار کردید؟
بیشتر دستیار سیامک احصایی بودم و با ایرج رامین‌فر، خانم بور یایی دوست هم چند همکاری داشتم و در چند تا فیلم که کارگردان طراح بود من ایسن وظیفه را مثل «پسران عاقل» که فریدون حسن پور کارگرانش بود انجام دادم. در دانشگاه هم در رشته طراحی و چاپ

